

Analysis of the authority of the covenants from a rational and narrative perspective

Fatemeh Abazarpour yes¹ 

1. Corresponding Author, PhD student. Interpretive jurisprudence. , Bachelor of Higher Education, Al-Zahra University of Babylon., Babylon, Iran. E-mail: G.Abazarpour@chmail.ir

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received: 6 Décembre 2021 Received in revised form: 26 Décembre 2021 Accepted: 14 February 2022 Published online: 26 February 2022</p> <p>Keywords: Distortion, Torah and Bible, Evidence of Quran, Historical Reasons</p>	<p>The discussion of the scriptures, and the controversy over whether or not to distort them, has been one of the issues that has always been considered throughout history. Muslims, who consider the Qur'an as the only book and divine miracle safe from distortion, consider the best way to prove the distortion, or non-distortion of the divine books, to examine this matter from the Qur'an's point of view. This research using the library method and analytical method concluded that the historical books and sayings of the People of the Book show that the text of the Torah, which the Jews consider divine, has been destroyed in two historical events, and in particular the first event caused the Torah document to be interrupted. شند. In addition, the text of the Torah contains insults and contradictions that express distortion. The document of the Bible is not attributed to Jesus (pbuh) but to the apostles and disciples of the Prophet (pbuh) who, according to their confession, brought the words of the Prophet (pbuh) along with other events and has its sanctity from the council, which considers it divine. There are also many insults, contradictions, and errors in the text of the Bible that indicate a distortion of the Bible. Muslim commentators also believe, based on the Qur'an, that there is much evidence in the Qur'an of distortions of the scriptures in various verbal, spiritual, and practical ways by Jews and Christians</p>

Cite this article: Abazarpour Yes, F. (2021). Analysis of the authority of the covenants from a rational and narrative perspective.

Studies in Comparative Religion and Mysticism, 5 (2), 99-123 . DOI: 10.22111/jrm.2022.37043.1059



© The Author(s).

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

DOI: 10.22111/jrm.2022.40972.1080

واکاوی حجیت عهدین از منظر عقلی و نقلی

فاطمه اباذرپور آری^۱

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری، گروه فقه تفسیری، کارشناس موسس آموزش عالی، دانشگاه الزهرا (س) بابل، ایران.
رایانامه: G.Abazarpour@chmail.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۵</p> <p>تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۱۰/۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۷</p> <p>واژه‌های کلیدی: تحریف، تورات و انجیل، شواهد قرآن، دلایل تاریخی</p>	<p>بحث از کتب آسمانی، و اختلاف در تحریف و یا عدم تحریف آنها، از مسائلی است که همواره در طول تاریخ مورد توجه بوده است. مسلمانان که قرآن را به عنوان تنها کتاب و معجزه الهی مصون از تحریف می‌دانند، بهترین راه اثبات تحریف، و یا عدم تحریف کتب آسمانی را در بررسی این مطلب از نگاه قرآن می‌دانند. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و شیوه تحلیلی به این نتیجه رسید که کتب تاریخی و اقوال اهل کتاب نشان می‌دهد که متن تورات که یهود آن را الهی می‌داند در دو حادثه تاریخی از بین رفته است و به طور خاص حادثه اول موجب انقطاع سند تورات شد. علاوه بر آن، متن تورات، حاوی توهین‌ها و تناقضاتی است که بیان از تحریف دارد. سند کتاب انجیل نیز به حضرت عیسی علیه‌السلام منسوب نیست بلکه به حواریون و شاگردان حضرت منتسب است که به اعتراف خود، سخنان حضرت را به همراه حوادث دیگر آوردند که تقدس خود را از شورا دارد که آن را الهی می‌دانند. همچنین در متن انجیل، توهین‌ها، تناقضات، و اشکالات بسیاری وجود دارد که نشان از تحریف انجیل دارد. مفسران مسلمان نیز بر اساس قرآن معتقدند که در قرآن شواهد بسیاری از تحریف در کتب آسمانی به انواع روش‌های لفظی، معنوی و عملی توسط یهودیان و مسیحیان آمده است.</p>

استناد: اباذرپور آری، فاطمه (۱۴۰۰). واکاوی حجیت عهدین از منظر عقلی و نقلی. *مطالعات ادیان و عرفان تطبیقی*، ۵ (۲)، ۹۹-۱۲۳

DOI: 10.22111/jrm.2022.40972.1080



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

همه ادیان، دارای آداب، اعمال، قوانین و دستورات و مسائل مورد نیاز دیگر، برای پیروان خود هستند. در ادیان غیر الهی، این دستورات توسط پایه‌گذاران آن دین بیان می‌شود، اما در دین‌های الهی این دستورات از ناحیه خداوند، غالباً به صورت کتب بر پیامبران الهی نازل شده است و پیروان به حفظ دستورات آن فرا خوانده شده‌اند. چرا که عقل بشر قادر به پاسخگویی به نیازهای او نیست و نمی‌تواند دین و کتابی برای هدایت او ارائه دهد پس آنچه دارای اهمیت است، کتاب آسمانی است که از ناحیه خداوند باشد.

از جمله مسائل مطرح در ادیان، دلایل نزول کتب متعدد بر فرستادگان است که یکی از دلایل آن را باید در تحریف کتب و به دنبال آن ایجاد تغییرات در شریعت دانست که موجب از بین رفتن هدف اصلی، که همان هدایت بشر است می‌شود. بنابراین نسخ یک شریعت، به دلیل وجود تحریف در شریعت قبلی صورت می‌گیرد، همین مطلب ارزش و اهمیت این مسئله را روشن می‌سازد. اما در مورد قرآن باید گفت که غالب علمای و مفسران شیعه و سنی، تحریف قرآن به طوری که موجب عدم بهره از اصل قرآن باشد را متذکر نشده‌اند، جز افرادی معدودی چون محدث نوری که بر اساس برخی روایات مجهول، قائل به بروز نقیضه در قرآن شدند(قلی زاده، ۱۳۹۹. ص. ۱۶۷) در میان دانشمندان غیر اسلامی نیز برخی افراد بر اساس روایات ضعیف، قائل به حذف برخی آیات از قرآن هستند(حقانی و اسکندرلو، ۱۳۸۷. ص. ۴۷) اما اشکالات وارده بر دلایل مطرح، نشان از عدم تحریف قرآن دارد(متقی زاده و خوران، ۱۳۸۷. ص. ۴۹) بنابراین بهترین سند تحریف کتب الهی دیگر به وسیله قرآن است.

اثبات وجود تحریف در کتب الهی بجز قرآن، موجب اثبات نسخ در آنها در صورت وحیانی بودن و عدم اعتبار دستورات آنها به عنوان آموزه های الهی است و یا ثبات کننده خطا در نویسندگانی است که نوشته آنها بر اساس اعتبار شورا دارای مصونیت الهی است. (اشرفی، ۱۳۸۶. ص. ۷۳) چرا که پیروان عهدین آن را در هر صورت کتاب الهی و حجت می‌دانند به خصوص مسیحیان که متن تورات را تایید شده از طرف مسیح ع می‌دانند. (میرتبار و صادق‌نیا، ۱۳۹۷. ص. ۲۷) این مطلب حجت را بر پیروان آنها تمام می‌کند و علاوه بر آن استدلال آنها بر علیه دیگران بر اساس کتب تحریف شده مورد وثوق نخواهد بود.

اگر چه تحریف کتب آسمانی در کتابهای تاریخی و ادیان مطرح شده است ولی دیدگاه قرآن در آنها مورد غفلت قرار گرفته و در برخی موارد بدون نگاه به قرآن بیاناتی آورده شده است. در کتب اسلامی و در لابه لای تفاسیر شیعه و سنی، مباحثی در این مورد آمده است ولی تحت عنوان کتابی خاص مورد بررسی قرار نگرفته است که بحث در این مطلب را می‌طلبد.

ظاهر قرآن بیانگر وجود کتب آسمانی و تحریف در آنها دارد. چنانکه قرآن کریم یهودیان را «اهل الکتاب» معرفی می‌نماید تا بیانگر این ارزش باشد که آن‌ها کسانی هستند که از قبل، وحی الهی را به صورت مکتوب دریافت کرده‌اند. (اسکندرلو، ۱۳۸۶. ص. ۱۳۸) تعداد آیات بسیاری آشکارا به کتاب مقدس اشاره، و آن را به عنوان کتابی که به وسیله موسی آورده شده، یا کتابی که به موسی، هارون و یا به بنی اسرائیل داده شده است، توصیف می‌کنند (خداپرست. زهرا، ۱۳۸۹. ص. ۱۴۵) روایات نیز حاکی از وجود کتب آسمانی است چنانکه در روایتی از اهل بیت علیهم‌السلام آمده است که نام پیامبر در کتاب ابراهیم و سایر کتب آسمانی آمده است که در جفر اهل بیت ع وجود دارد (مجلسی، بی تا، ج ۲۶. ص. ۳۷) برای تطبیق مطلب مورد بحث ابتدا نیاز به شناخت معنای مورد نظر تحریف است تا مفهوم تحریف و انواع آن روشن شود و سپس از اهل کتاب و کتب مورد نظر بحث شود تا محدوده مورد نظر مشخص گردد و بعد از آن به این مطلب پرداخته شود که آیا اهل کتاب خود قائل به کتابی برای خود هستند، و آنها را معتبر میدانند؟ نظر آنها در مورد سندیت کتاب‌های منسوب به آنها چیست؟ و سپس به بررسی شواهد قرآنی مطلب پرداخته شود.

برای این منظور، نیاز به بررسی کتاب‌های تاریخی درباره ادیان و پیروان آنهاست تا اطلاع درست از حوادثی که کتب آنها را تحت تاثیر قرار داده است، به دست آید و به دنبال آن شواهد قرآنی ارائه شود تا جای هیچ اشکالی باقی نماند.

۲. مفهوم شناسی

در بررسی موضوع به بازشناسی مفاهیم لازمی آن می‌پردازیم تا شناخت صحیحی از مساله و جنبه‌های مختلف آن به دست آمده، و مفاهیم کلیدی آن به صورت واضح روشن ارائه گردد.

۱-۲. مفهوم تحریف

«تحریف»، از ریشه «حرف» به معنای طرف است. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲. ص. ۱۲۰) راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق. ص. ۲۲۸) و «تحریف شیء»، تغییر شکل و حالت چیزی است مثل تحریف قلم که به معنی

تراشیدن و تغییر شکل دادن قلم است.^۱ تحریف کلام نیز برگرداندن سخن بر یکی از معانی احتمالی از دو وجه معنایی برای کلام است^۲ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق . ص. ۲۲۸)

برخی معنای تحریف در کلام را به معنای تغییر دادن کلمه از معنای آن می‌دانند.^۳ (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق. ج ۳. ص. ۸۲؛ طریحی، ۱۳۷۵. ج ۵. ص. ۳۷) که معنایی عام از وجه حمل بر یکی از دو معنا دارد. چنانکه برخی تحریف در قرآن را به این معنا می‌دانند.^۴ (فراهیدی، ۱۴۰۹ق. ج ۳. ص. ۲۱۱) برخی در معنای تحریف، هم معنی تغییر در معنای کلمه و تغییر در معنای کلام را در نظر گرفتند.^۵ (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق. ج ۱۲. ص. ۱۳۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق. ج ۹. ص. ۴۳)

کاربرد تحریف در قرآن نشان می‌دهد که، تحریف شامل مواردی است که با علم و آگاهی همراه بوده، و از روی عمد صورت گرفته باشد یعنی بعد از اینکه سخن از نظر لفظ و معنا، مصداقی و مفهومی و جایگاه، روشن شد و در مقام عمل قرار گرفت، تغییر و تبدیل در آن ایجاد شود.^۶ (مصطفوی، ۱۳۶۰. ج ۲. ص. ۱۹۹) چنانکه خدا در قرآن می‌فرماید:

«وَ قَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ؛ گروهی از آنها کلام خدا را می‌شنوند، سپس بعد از دانستن، و تعقل آن را از موضع حَقِّش منحرف می‌کنند» (بقره/۷۵)

با توجه به آیه فوق، می‌توان نتیجه گرفت که اشتباهات نسخه برداری و یا ترجمه _ اگر چه موجب تغییرند _ در دایره تحریف از نظر قرآن قرار ندارند بلکه تحریف مورد نظر قرآن در مواردی است که با علم و آگاهی باشد زیرا با دقت در انتهای آیه مذکور، این نتیجه به دست می‌آید که این عمل آنها بر اساس تفکر بوده است که نشانگر از فهم آنها در مورد کارشان، و عمدی بودن آن دارد.

۱. تَحْرِيفُ الشَّيْءِ: إِمَالَتُهُ، كَتَحْرِيفِ الْقَلَمِ

۲. تَحْرِيفُ الْكَلَامِ: أَنْ تَجْعَلَهُ عَلَى حَرْفٍ مِنَ الْإِحْتِمَالِ يُمْكِنُ حَمْلَهُ عَلَى الْوَجْهِينِ

۳. التَّحْرِيفُ فِي الْقُرْآنِ وَ فِي الْكَلَامِ: تَغْيِيرُ الْكَلِمَةِ عَنْ مَعْنَاهَا

۴. التَّحْرِيفُ فِي الْقُرْآنِ تَغْيِيرُ الْكَلِمَةِ عَنْ مَعْنَاهَا.

۵. والتَّحْرِيفُ فِي الْقُرْآنِ وَ الْكَلِمَةُ: تَغْيِيرُ الْحَرْفِ عَنْ مَعْنَاهُ وَ الْكَلِمَةُ عَنْ مَعْنَاهَا وَ هِيَ قَرِيبَةُ الشَّبهِ كَمَا كَانَتْ الْيَهُودُ تُغَيِّرُ مَعَانِيَ التَّوْرَةِ بِالْأَشْبَاهِ

۶ بعد آن ثبت کلم لفظاً و معنی و مصداقا و مفهوما و موضعا و عملوا بها: شرعوا فی التحریف

۲-۲. انواع تحریف

تحریف دارای انواع مختلفی است و لازم است که برای روشن شدن مطلب به انواع آن پرداخته شود. که در ذیل به آن اشاره می‌شود.

۲-۲-۱. تحریف لفظی

تحریف لفظی به معنای کم و زیاد کردن، و تغییر دادن کلمات الهی است. (فاطمه کریمی، ۱۳۸۶، ص: ۶۴) که ممکن است با ایجاد تغییر در حرکات یا حروف یک کلمه و یا کم و زیاد کردن کلمات به منظور رسیدن به معنای جدید یا تغییر در معنای موجود، باشد. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۴، ص: ۱۹۱) البته گاهی نویسنده مطلبی از پیش خود می‌نویسد و به عنوان کتاب مقدس عرضه می‌کنند که خود نوعی تحریف لفظی کلی است. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۴، ص: ۱۹۳) و جزیی از تحریف به زیاده است.

۲-۲-۲. تحریف معنوی

در تحریف معنوی، الفاظ موجود در کتاب دچار دگرگونی نمی‌شوند اما مفسران کتاب مقدس، اشخاص و نهادهایی که در تحلیل و تفسیر کتاب مرجعیت دارند، آیات را بر اساس رای و نظر خود تفسیر می‌کنند. (همان، ص: ۱۸۹) به عبارت دیگر در تحریف معنوی، الفاظ بر غیر معانی حقیقی و مجازی خود حمل می‌شوند. (طاهری خرم آبادی، ۱۳۸۵، ص: ۵۶)

۲-۲-۳. تحریف عملی

تحریف عملی به معنای عمل نکردن بر اساس قوانین و احکام الهی و یا عمل کردن بر خلاف دستورات کتاب الهی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۱۱، ص: ۲۹) یعنی با وجود دستورات الهی و فهم درست از آنها، بر اساس آن اوامر عمل نمی‌شود. آنچه که به حجیت ظاهر کتاب آسیب می‌زند و موجب سقوط حجیت کتاب است، تحریف لفظی است زیرا با موجود بودن اصل کتاب با همه خصوصیات، امکان استنباط از آن وجود دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص: ۹۹) ولی در مورد کتب آسمانی که اصل آنها برای مردم موجود نیست و مردم به آن دسترسی ندارند، همه تحریفات تحت عنوان تحریف، مطرح هستند.

۲-۳. اهل کتاب

قرآن از نزول کتاب‌های آسمانی بر برخی پیامبران خبر می‌دهد، چنانکه از برخی کتب در قرآن نام برده شده است مانند: «صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى» (اعلیٰ/۱۹) اما آنچه از روایات فهمیده می‌شود آن است

که تعداد این کتاب‌ها بیشتر بوده است و همانگونه که قرآن با وجود آمدن پیامبران بسیار بر بشر، فقط از برخی از آنها نام می‌برد^۷ (مومنون/۴۴)، در مورد کتاب‌های آسمانی نیز به تعدادی از آنها اشاره دارد. برای فهم این مطلب که خطاب قرآن به اهل کتاب، مربوط به چه کسانی است؟ لازم است که اهل کتاب مورد نظر قرآن را بشناسیم.

به نظر می‌رسد که اهل کتاب در اسلام، به پیروان کتاب‌های آسمانی اطلاق شود، در روایتی از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، به گروه‌های مختلفی اشاره شده که اهل ذمه هستند و به عنوان اهل کتاب از آنها جزیه گرفته می‌شود. با توجه به روایت، از مقابله آنها با مشرکان عرب و مشرکان عجم _ به ترک و ديلم و خزر _ و اهل بغی و اهل قصاص به دست می‌آید، که اهل کتاب یک لفظ عام است. (ابن بابویه، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۰۲-۴۰۳).

در قاموس قرآن ذیل آیه ۷۰ آل عمران در مورد اهل کتاب در قرآن آمده است که مراد از کتاب در اینگونه آیات، تورات و انجیل است و اهل کتاب همان یهود و نصاری‌اند، ظاهراً صابئین نیز اهل کتاب هستند، و مجوس را نیز در احکام به اهل کتاب ملحق کرده‌اند ولی ظاهراً مجوس بنا بر روایات اهل کتاب شمرده شدند، و دلیلی بر آن از آیات وجود ندارد. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص: ۸۱) در مفردات مراد از ذکر خداوند از اهل کتاب در قرآن به پیروان تورات و انجیل تعبیر شده است.^۸ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۹۹)

در تفسیر المیزان آمده است که هر چند مجوس را اهل کتاب خوانده‌اند، که لازمه‌اش داشتن کتابی آسمانی است و یا منسوب بودن به یکی از کتاب‌های آسمانی، از قبیل کتاب نوح، صحف ابراهیم، تورات موسی، انجیل عیسی و زبور داود، - قرآن از آنها به عنوان کتاب آسمانی نام می‌برد- اما قرآن درباره وضع مجوس مطلبی ندارد. نام کتاب «اوستا» که فعلاً در دست مجوسیان است نیز در قرآن نیامده است، در قرآن نام کتاب دیگری هم برای آنها ذکر نشده است. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۴۸۱) اگر چه قرآن از آنها در کنار اهل کتاب، و جدا از مشرکان نام می‌برد^۹ (حج/۱۷) ولی ظاهراً در ابتدا و پیش

۷. ثُمَّ أَرْسَلْنَا رَسُولًا تَتْرَا

۸. حِشْمَا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى أَهْلَ الْكِتَابِ فَإِنَّمَا أَرَادَ بِالْكِتَابِ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ، أَوْ إِيَاهُمَا جَمِيعًا

۹. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

از آنکه آموزه‌های آنها دچار تبدیل و تحریف شود در زمره ادیان آسمانی قرار داشتند. (عبدالرحیم گواهی، ۱۳۹۰. ج ۲. ص ۳۱۳) در روایتی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمده که ایشان دارای پیامبر و کتاب آسمانی بودند ولی پیامبر خود را کشتند و کتاب آسمانی او را از بین بردند به همین دلیل از اهل کتاب نیستند اما با آنها معامله اهل کتاب می‌شود. از صابئین در سه آیه قرآن در کنار یهود و نصارا نام برده شده است که نشان می‌دهد در عصر نزول، قومی مشهور و دارای افراد کثیر بودند، در غیر این صورت مورد اعتنای قرآن قرار نمی‌گرفتند. اما به تدریج به بت پرستی و پرستش اجرام آسمانی گرایش پیدا کردند. (مرزبان کریمی، ۱۳۸۵. ص ۱۴۹) البته برخی معتقدند که صابئین دو گروه هستند و نباید صابئین بت پرست حرانی را با صابئین مندایی منسوب به یحیی یکی دانست. (جعفری، بی تا. ج ۱. ص ۲۳۷) به هر صورت نظر مفسران در مورد اهل کتاب بودن صابئین متفاوت است. (کوثر، بی تا. ج ۱. ص ۱۹۵-۲۰۰) اما آنچه مسلم است آنکه، کلمه «اهل کتاب» در هر کجا از قرآن ذکر شده باشد، مراد، یهود و نصارا است که خود قرآن برای آنان کتاب نازل از خدای تعالی نام برده است. (طباطبایی، ۱۳۶۳. ج ۳. ص ۴۸۲) بنابراین آنچه از کتب آسمانی مورد بحث قرار می‌گیرد، کتاب تورات وانجیل است.

۲-۴. کتاب یا شریعت

قرآن ویژگی خاصی را برای برخی پیامبران بیان می‌کند مثلاً برای پیامبران اولوالعزم^{۱۰} ویژگی میثاق غلیظ را ذکر می‌کند که از منظر برخی مفسران، این پیامبران رسالت جهانی داشتند (مکارم، ۱۳۷۴. ج ۱۷. ص ۲۱۱) و این به معنای صاحب کتاب بودن و صاحب شریعت بودن نیست. بلکه شریعت مختص به این انبیا است (طباطبایی، ۱۳۶۳. ج ۲. ص ۱۹۸) در صورتی که قرآن برای برخی انبیا، نام صاحب کتاب می‌آورد که نشان می‌دهد کتاب غیر از شریعت است هر چند صاحب کتاب بودن مستلزم داشتن شریعت است اما ظاهراً صاحب کتاب بودن دلیلی بر صاحب شریعت بودن نیست چنانکه قرآن از کتاب برخی پیامبران با لفظ صحف (اعلی/۱۹) و زبور (نساء/۱۶۳) نام می‌برد در صورتی که آنها صاحب شریعت نبودند. پس این دو لفظ به یک معنی نیستند و مصداق متفاوت دارند. و پیامبرانی غیر از صاحب شریعت دارای کتاب بودند.

^{۱۰} . وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا

۳. دلایل و شواهد تحریف کتب آسمانی

ابتدا کتب آسمانی و تاریخ آن را بیان شده، و سپس به دلایل و شواهد مختلف از جمله دلایل تاریخی، نقلی (قرآنی و روایی) و نظر مفسران در ذیل آیات مربوط به تحریف کتب، پرداخته می‌شود.

۳-۱. کتب آسمانی (تورات و انجیل)

کتاب مقدس از دو قسمت عمده تشکیل شده است. بخش نخست از این مجموعه شامل کتب مقدسی است که قبل از میلاد به رشته تحریر درآمده و به عهد عتیق شهرت یافته است و بخش دوم از این مجموعه شامل اناجیل و کتب مقدسی است که پس از مسیح‌علیه‌السلام نوشته شده و به عهد جدید شهرت یافته است. (زیبایی نژاد، ۱۳۸۴، ص ۱۲۴-۱۲۵) اصطلاح عهد جدید در انجیل متی به کار رفته است. (متی: ۲۶: ۲۸) و اصطلاح عهد عتیق برای اولین بار در کلمات پولس به کار رفته است (دوم قرنتیان: ۳: ۱۴)

برخی کتب مقدس را کلام نازل شده خداوند بر انبیا علیهم‌السلام و رسل می‌دانند که انبیا و رسل علیهم‌السلام، بر حسب لغت‌های نوع بشری به آن وحی متکلم می‌شدند و آن وحی مسطور را خود نبی و رسول بنفسه می‌نوشته و یا به کاتبان دیگر رجوع می‌دادند. به هر صورت امروزه نسخه اصلی که خود انبیا یا کاتبان آنها نوشته باشند در دست ما نیست بلکه آنچه امروزه در دسترس است از نسخه‌های اصلی نسخه‌برداری شده و با وجود نهایت اهتمام و دقت ایشان در انجام کار باز هم اختلافات جزئی در آنها دیده می‌شود هر چند کسی این مقدار را موجب تغییر تعلیم و احکام کتاب مقدس نمی‌دانند. (مستر هاکس، ۱۳۸۳، ص ۷۱۹) البته برخی بر این عقیده هستند که مثلاً عهد عتیق در واقع یک سند کامل و متن متقن تاریخی است که مورخان عبری آن را نوشته‌اند که تاریخ دینی است و وقایع و سخنانی که نقل کرده‌اند هر چند برای آنها دارای ارزش و اعتباری است اما برای دیگران اعتبار ندارد. (جان بایر ناس، ۱۳۸۲، ص ۴۸۴) بر همین اساس، اعتبار کتاب مقدس در گذشته و حال، مورد انتقاد بسیاری از دانشمندان بوده است ولی علمای کتاب مقدس با وجود گوناگونی کتب، معتقدند که این موارد موجب تبدیل کتاب مقدس نمی‌شود و کتاب مقدس به صورت مجموعه یک کتاب الهی معتبر است و کاتبان کتاب مقدس اگر چه در زمانهای مختلف آنها را نوشته‌اند ولی همه مصون از خطا بودند و خداوند در

تدوین کتاب، آنها را حفظ کرده است و مجموع کتب به عنوان یک کتاب شرعی اعتبار دارند. (علی الشیخ، ۳۸۹. ص. ۲۳)

۲-۳. تورات در نگاه اندیشمندان، اهل کتاب و مسلمانان

۱-۲-۳. تورات

منبع اولیه دین یهودی، کتاب مقدس عبرانی (عهد عتیق) است که از ۲۴ کتاب تشکیل شده است، که شامل سه فصل است: تورات (اسفار پنجگانه)، نویم (پیامبران) و کتوویم (صحیفه‌ها). (جان راسل، ۱۳۸۷. ص. ۶۵؛ رابرت هیوم، ۱۳۶۹. ص. ۲۴۲) تمام این متن‌ها به استثنای نیمی از کتاب دانیال نبی به زبان عبری هستند. (رابرت هیوم، ۱۳۶۹. ص. ۲۴۲) هیچکدام از کتب خطی اصلی کتاب مقدس اکنون به زبان عبری موجود نیست، با وجود آن «دولاپورت» در کتاب خود «خاور نزدیک آسیایی» از چندین قطعه عبری قدیم صحبت می‌کند که اخیراً کشف شده است. قدیمی‌ترین نسخه خطی عبری که در دسترس است مربوط به قرن دهم بعد از میلاد است ولی نسخه‌های خطی بسیار قدیمی‌تر از ترجمه‌های یونانی و لاتین در دست است. (فیلیس شاله، ۱۳۵۵. ص. ۲۷۰) پنج کتاب اول «اسفار خمسه» است که با «سفر پیدایش» آغاز می‌شود که درباره آفرینش جهان، آدم و حوا و ... است و در چهار «سفر» بعدی، سیره حضرت موسی علیه‌السلام و تاریخ بنی‌اسرائیل شرح شده است. به عقیده یهودیان و مسیحیان، مولف اسفار پنجگانه تورات، حضرت موسی علیه‌السلام است (حسین توفیقی، ۱۳۸۴. ص. ۹۹) اما برخی محققین معتقدند که تورات به دست موسی نوشته نشده است بلکه سیصد یا چهارصد سال بعد از زمان حضرت، نوشته شده است. (جان بایر ناس، ۱۳۸۲. ص. ۴۹۱)

۲-۲-۳. شواهد تاریخی

تاریخ حوادث قوم بنی‌اسرائیل نشان می‌دهد که تحریفاتی در کتاب مقدس یهودیان اتفاق افتاده است. در کتب تاریخی آمده است که دستورات خداوند بر موسی علیه‌السلام در قالب الواح بوده است. در مورد اینکه این الواح نازل شدند یا اینکه الواح از موسی علیه‌السلام بود و فرمان خداوند در آنها نقش بسته است، نظرات متفاوتی ارائه شده است. به هر صورت، فرامین موسی علیه‌السلام در الواحی قرار داشته است. در کتب تاریخی آمده است که این عادت قوم یهود بود که کلمات و حروف را بر الواح سنگی بکنند و بر روی خشت طبع نمایند و یا در صفحات معدنی مثل، قلع و آهن و برنج و مس بکنند اگر چه آنها از اهالی مصر، کتابت و کتاب را یاد گرفته بودند. (مستر هاکس، ۱۳۸۳. ص. ۷۱۵) بر اساس

برخی روایات، منظور همان الواح نازله بر حضرت موسی ع است (مجلسی، بی تا، ج ۲۶، ص ۱۸۵) اما نسخه برداری از تورات در میان یهودیان نخستین امر رایج نبود و تورات موسی علیه السلام، و تابوت عهد، در جعبه‌ای که محل نگهداری تورات بود نگهداری می‌شد و غالباً تعالیم به صورت شفاهی بود. (زیبایی نژاد، ۱۳۸۴، ص ۲۲) از تاریخ بنی اسرائیل استفاده می‌شود که در سال ۵۹۷ قبل از میلاد، بخت‌النصر پادشاه بابل بر یهودیان حمله کرد و بیت المقدس ویران شد و هفتاد سال بیت المقدس به همان حال باقی ماند، تا در دوره‌ای، یهودی‌ها قیام کردند و آن را نوسازی نمود (ویل دورانت، ۱۳۷۰، ص ۵۲۷) سپس در پی تصرف بابل به دست کوروش و اعلام آزادی قوم یهود، آنان به اورشلیم برگشتند. (جان بایر ناس، ۱۳۸۲، ص ۵۳۶) در سال ۴۴۴ قبل از میلاد، یکی از کاهنان به نام عزرا، یهودیان را برای اجتماعی با شکوه دعوت کرد و از هنگام صبح تا ظهر، او و لایوان دستیارش «کتاب شریعت موسی» را به مدت هفت روز برای مردم خواندند (فیلیسن شاله، ۱۳۵۵، ص ۲۷۲) پس مقدار کتاب آنها متفاوت از کتاب یوشا است که در مراسم سال‌ها قبل برای مردم خوانده شده بود، چرا که در کتاب عهد تصریح شده است که مراسم خواندن کتاب، دو بار در فاصله یک روز بود در حالی که خواندن کتاب توسط عزرا و دستیاران یک هفته طول کشیده بود. (ویل دورانت، ۱۳۷۰، ص ۳۸۲) این مطلب بیانگر آن است که کتاب عزرای کاهن دارای مطالبی افزون از چند برابر کتاب اصلی بوده است.

حادثه مهم دیگر، حمله رومیان در سال ۶۹ میلادی، توسط تیتوس به اورشلیم بود. او «سنهدرین» را از بین برد، و موجب پراکنده شدن یهودیان شد. در این میان یوحنا بن زکایی که از دانشمندان یهودی بود به شهر «یننه» در فلسطین رفت (زیبایی نژاد، ۱۳۸۴، ص ۲۲) و در آنجا، «مدارش» را ایجاد کرد که علاوه بر تفسیر شریعت به جمع آوری اخبار غیر مکتوب قوم یهود پرداخت و آنها را ضبط و مدون کردند اما در وقایع جنگ خونین قیصر، این مدرسه بسته شد و بسیاری از فضلا و اهل علم آن به قتل رسیدند. (جان بایر ناس، ۱۳۸۲، ص ۵۵۷) اما بالاخره در قرن پنجم میلادی با اختتام تلمود، دوره جدیدی در کتاب تاریخ مذهب یهود گشوده شد. (جان بایر ناس، ۱۳۸۲، ص ۵۵۹) با توجه به شواهد تاریخی، تورات در دو حادثه بزرگ از بین رفته است. اگر چه از نظر اهمیت حادثه اول مهمتر، و اثر آن بیشتر بود، چرا که اولاً قوم یهود در ابتدا به الهیات شفاهی اکتفا می‌کردند و با از بین رفتن الواح بسیاری از آن تعالیم را از دست دادند علاوه بر آن فاصله زمانی ایجاد شده تا بازگشت آنها به اورشلیم و تعالیم کتب

یهود، موجب شد که بسیاری از تعالیم به دست فراموشی سپرده شود. عامل دیگر از دست رفتن تعالیم تورات، پراکندگی یهود و کاهش ارتباط بین پیروان آن بود که مانع از نشر تعالیم و حفظ آنها شد.

۳-۲-۳. شواهد نقلی

دلایل بسیاری در متن تورات وجود دارد که وجود تحریف را در آن را در ادعای وحیانی بودن آن توسط یهود ثابت می‌کند. از دلایل تحریف وجود توهین در متن کتاب مقدس نسبت به خدا و انبیا الهی است، خداوند در کتاب مقدس به صورت موجودی ناآگاه (سفر پیدایش باب ۱:۴)، ترسو (سفر پیدایش باب ۳:۲۲)، انسان‌واره (سفر پیدایش باب ۹:۶)، متزلزل (سفر پیدایش باب ۸:۲۱) و... توصیف شده است. به عنوان مثال: علت منع آدم علیه‌السلام و حوا از درخت ممنوعه، و اخراج آنها از بهشت به دلیل ترس خدا از آگاه شدن حضرت آدم با خوردن میوه درخت ممنوعه بود به اینکه از تمام جهات مانند خداوند شود و حیات ابدی پیدا کند. (سفر پیدایش باب ۳: ۲۲) پس به دروغ به آنها گفت که اگر از آن بخورند، خواهند مرد (سفر پیدایش باب ۲: ۱۸) دلیل دیگر بر تحریف تورات، شواهد نقلی است، که نه تنها از قول پیروان دیگر شرایع، بلکه حتی از زبان دانشمندان یهودی نیز بیان شده است. در تورات از مرگ حضرت موسی علیه‌السلام نوشته شده است در حالیکه قابل باور نیست که حضرت موسی علیه‌السلام در زمینه مرگ خود، یا در مقایسه خود با پیامبران بعدی چیزی نوشته باشد. (هیوم، ۱۳۶۹. ص ۲۴۸) چرا که در تورات شرح وفات و دفن حضرت موسی علیه‌السلام آمده است که نشان می‌دهد، این مطالب پس از رحلت حضرت موسی علیه‌السلام به تورات اضافه شده است. (سفر تثنیه، باب ۳۴) از دلایل دیگر می‌توان به اختلاف یهودیان، در مورد حدود کتاب مقدس اشاره کرد. در میان فرقه‌های مختلف یهودی تفاوت‌هایی در رابطه با تورات وجود دارد. به طور مثال، فرقه سامری، تنها پنج سفر از تورات را می‌پذیرند و کتب دیگر عهد عتیق را نمی‌پذیرند. همچنین سامریان نسخه ویژه‌ای از کتاب یوشع نبی دارند که متفاوت از کتاب یوشع راجع در میان یهود است. (توفیقی، ۱۳۸۴. ص ۱۱۷) از دیگر موارد مطرح، وجود خرافاتی است که از آیین‌ها و تمدن‌های دیگر در کتاب مقدس وارد شده است مثلاً عبرانیان برای شیطان، توانایی و قدرت مقاومت در برابر یهوه را قایل نبودند ولی این عقیده ساده (در اثر نفوذ آیین زرتشتی) در طول زمان، تکامل یافت و برای قوه مودی و تباهاکار، نظم و سازمان قایل شدند که در راس آنها شیطان قرار دارد. (جان بایر ناس، ۱۳۸۲. ص ۵۴۷) تغییر ادبیات در متون تورات یکی دیگر از مواردی است که شاهد بر وجود تحریف تورات است مثلاً در برخی قسمت‌های کتب

از خداوند به عنوان «لوهیم» نام برده می‌شود ولی در کتب دیگر، خداوند با عنوان «یهوه» است. (فیلیسن شاله، ۱۳۵۵. ص. ۲۷۳) مهمترین شاهد بر تحریف کتب، اشکالات و تناقضات کتاب مقدس است. برخی از عالمان، مفسران و اندیشمندان از قدمای یهود مانند ابراهیم بن عزراء (۱۱۶۴-۱۰۸۹ م) در کتاب «تفسیر سفر تثنیه»، شش دلیل به صورت رموزار ذکر کرده است و «باروخ اسپینوزا» (۱۶۷۷-۱۶۳۲ م) سعی کرده که رمزهای ابن عزراء را بگشاید.

ابن عزراء در چند کلمه، به صورت رموزار اشاره می‌کند که نویسنده اسفار پنج گانه موسی علیه‌السلام نیست، بلکه شخص دیگری است که مدت‌های طولانی پس از موسی علیه‌السلام زندگی کرده است. به علاوه، کتابی که موسی علیه‌السلام نوشته، با کتاب‌های باقیمانده تفاوت دارد. اسپینوزا شش رمز ابن عزراء را چنین می‌گشاید:

۱. «آن طرف اردن» اشاره است به سفر «تثنیه»، ۱:۱ است که در آن آمده است: «این سخنانی که موسی به آن طرف اردن در بیابان عربیه... با تمامی اسرائیل گفت.»
از این جمله بر می‌آید که نویسنده آن از رود اردن عبور کرده است، ولی حضرت موسی علیه‌السلام از رود اردن عبور نکرد. در همین سفر، از قول موسی علیه‌السلام آمده است:
«خداوند به من گفته است که از این اردن عبور نخواهی کرد» (تثنیه، ۳۱: ۲)

۲. «اگر چنان باشد که رمز دوازده را بدانی»: در سفر «تثنیه»، ۲۷: ۱-۸ حضرت موسی علیه‌السلام به بنی‌اسرائیل دستور می‌دهد که وقتی از رود اردن عبور کردید، مذبحی بسازید و تمامی کتاب شریعت را روی سنگ‌هایی نوشته، اطراف آن بگذارید. در «صحیفه یوشع»، ۸: ۳۰-۳۲ آمده است که یوشع علیه‌السلام بنا به وصیت موسی علیه‌السلام، مذبحی از سنگ‌های نتراشیده بنا کرد و تمامی تورات حضرت موسی علیه‌السلام را رو آن نوشت. به گفته ربیان، تعداد این سنگ‌ها دوازده عدد بوده است. در حالی که امکان ندارد که تورات در حجم امروزی را بتوان بر روی دوازده سنگ نوشت. پس تورات موسی علیه‌السلام بسیار کوچک‌تر از کتاب موجود بوده است.

۳. «علاوه موسی تورات را نوشته» (سفر «تثنیه» ۳۱: ۹) آمده است. این عبارت نمی‌تواند نوشته خود حضرت موسی علیه‌السلام باشد، بلکه باید دیگری آن را نوشته باشد. چون نوع خطاب به غایب است که شخص در مورد خود بکار نمی‌برد.

۴. «در آن وقت کنعانیان در آن زمین بودند»: در سفر «پیدایش»، باب دوازدهم، سخن از مهاجرت حضرت ابراهیم ع به کنعان است و می‌گوید: «در آن وقت، کنعانیان در آن زمین بودند.» از این عبارت بر می‌آید که نویسنده زمانی این عبارت را نوشته که کنعانیان دیگر در آن زمین نبوده‌اند و چون سرزمین کنعان پس از حضرت موسی علیه‌السلام فتح شد و بقایای اقوام آن سرزمین تا زمان داود و سلیمان علیه‌السلام در آنجا بودند، پس موسی علیه‌السلام نمی‌تواند نویسنده این قسمت باشد.

۵. «در کوه خدا به او وحی می‌شود»: در سفر «پیدایش»، ۲۲: ۱۴، کوه اوریا، که بر آن ماجرای ذبح فرزند توسط حضرت ابراهیم علیه‌السلام رخ داد «کوه خدا» نامیده شده است. این در حالی است که حضرت موسی علیه‌السلام وعده این نامگذاری را می‌دهد و پس از ساخته شدن معبد در زمان سلیمان علیه‌السلام این مکان «کوه خدا» نامیده می‌شود. پس حضرت موسی علیه‌السلام نمی‌تواند آن را نوشته باشد.

۶. «سپس تخت خواب او، تخت آهنین او را نظاره کن»: در سفر «تثنیه»، ۳: ۱۱ آمده است «اینک تخت خواب او تخت آهنین است. آیا آن در ربت بنی عمون نیست و طولش نه ذراع و عرضش چهار ذراع بر حسب ذراع آدمی است؟» (شاکرین، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹)

این در حالی است که حضرت داود علیه‌السلام به شهر «ربه» غلبه کرد و این تخت را کشف کرد (کتاب دوم سموئیل، ۱۲ ص. ص. ۲۸ - ۲۹) و این قرن‌ها پس از موسی بود. (باروخ اسپینوزا، مصنف واقعی اسفار پنجگانه، ترجمه: علیرضا آل‌بویه، فصلنامه هفت آسمان، ش ۱، بهار ۱۳۷۸؛ یوسف قرضاوی، ۱۳۸۲، ص ۵۲)

همچنین وجود برخی نسبت‌ها در کتاب مقدس، نشانی از تحریف در تورات است به طور مثال، نسبت های ضد اخلاقی و ناروایی درباره پیامبران الهی مطرح شده است. مثلا: حضرت ابراهیم به علت ترس از جانش، همسر ساره زیبایی خود را در دربار فرعون به عنوان خواهر خود، معرفی، و به فرعون تزویج می‌کند. در نهایت فرعون از واقعیت مطلب مطلع می‌شود، و ابراهیم را به خاطر اقدامش سرزنش می‌کند. (سفر پیدایش: باب ۱۲: ۱۲-۲۰)

مفسران اسلامی بر این عقیده هستند که آیات قرآن وجود تحریفات تورات را اثبات می‌کند ولی تورات موجود در زمان نزول قرآن را مطرود و کاملا منسوخ نمی‌داند. علامه طباطبایی در ذیل آیه ۳ سوره

مأنده^{۱۱} درباره اینکه حکم خدا در تورات موجود است می‌فرماید که در این آیه، حکم تورات که در آن ایام در دست یهودیان بوده تصدیق شده و آن توراتی بوده که بعد از فتح بابل، عزراء با اذن کورش پادشاه ایران جمع کرده و بنی اسرائیل را از اسارت بابلی‌ها نجات داده و اجازه داد که از بابل به فلسطین برگردند و هیکل معبد یهود- را- که به دست بابلی‌ها ویران شده بود- تعمیر کنند و همین تورات در زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و تا به امروز در دست یهود است پس قرآن تصدیق می‌کند که در تورات موجود، حکم خدا وجود دارد هم چنان که می‌فرماید که در این تورات تحریف و تغییر هست. (طباطبایی، ۱۳۷۴. ج ۵. ص ۵۵۹)

در تفسیر تسنیم در ذیل آیه ۹۳ آل عمران^{۱۲} و آیه فوق آمده است که از میان اهل کتاب، حداقل قوم یهود، تورات اصلی و غیر محرف نسبی را در اختیار داشتند و بسیاری از مسائل و احکام و حقایق در آن بود ولی آنان برای مردم بازگو نمی‌کردند و این نشان می‌دهد اگر چه در جریان بُخْتُ النَّصْرِ، رابطه تاریخی تورات با زمان نزول آن قطع شد، اما بسیاری از مسائل مربوط به وحی و رسالت و خاتمیت و مانند آن در این کتاب وجود داشت و پس از ظهور اسلام بود که انگیزه تحریف پیدا شد. (جوادی آملی، ۱۳۸۳. ج ۴. ص ۷۷) چرا که یهود تا آن زمان منتظر ظهور آخرین پیامبر بود و با رسالت پیامبر اکرم (ص) به دلیل انکار و لجابت با ایشان، دست به تحریف کتاب خود زدند تا صفات مشخصه پیامبر (ص) و شواهد از رسالت ایشان در تورات را پاک کنند.

۳-۳. انجیل در نگاه اندیشمندان، اهل کتاب و مسلمانان

۳-۳-۱. انجیل

انجیل یا عهد جدید که قسمت دوم کتاب مقدس است، عبارت است از مجموعه وعظها و بیانات اخلاقی، و زندگی‌نامه حضرت مسیح علیه‌السلام، که مشتمل بر چگونگی قیام و سرانجام زندگی اوست. تعداد انجیل‌ها را بالغ بر ۱۱۴ انجیل دانسته‌اند اما کلیسا اغلب آنها را غیر آسمانی و مشکوک و مبهم (آپوکریفا) دانسته است. و تنها از میان آن همه، ۴ انجیل را معتبر دانسته است. (مرزبان کریمی، ۱۳۸۵. ص ۳۶۶) عهد جدید مجموعه‌ای از ۲۷ کتاب، نامه و مکاشفه است که پس از عروج عیسی

۱۱ " وَ كَيْفَ يُحْكُمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ "

۱۲ قُلْ قَاتِلُوا بِالْتَّوْرَةِ فَآتَوْهَا إِنَّ كُنتُمْ صَادِقِينَ (آل عمران/۹۳)

علیه‌السلام تالیف شدند. (زیبایی نژاد، ۱۳۸۴، ص. ۱۳۸) نسخ خطی کتاب «عهد جدید» که در دست است بسیار قدیمی‌تر از «عهد قدیم» است. قدیمی‌ترین نسخه آن مربوط به قرن چهارم است که در واتیکان محفوظ است. قدیمی‌ترین ترجمه آن هم مربوط به پایان قرن دوم میلادی به زبان آرامی است که در سوریه معمول بوده است. (فیلیسن شاله، ۱۳۵۵، ص. ۴۰۴)

۳-۲-۳. شواهد تاریخی

برخی تاریخ نگاران معتقدند که عیسی‌علیه‌السلام، تعالیم خود را تحریر نکرد بلکه به شاگردان خود اعتماد کرد و به آنها امر کرد که به اطراف جهان بروند و آنچه را از ایشان آموخته، و در حافظه دارند به دیگران تعلیم دهند. عموم مورخان اتفاق نظر دارند که بعد از مرگ عیسی‌علیه‌السلام، بعضی شاگردان وی آن کلمات و اقوال را به رشته تحریر درآوردند و آنها یادداشتهای تاریخی را برای آنکه فراموش نشوند، اضافه کردند و در نتیجه یک سند، بلکه یک سلسله اسناد درباره دین بوجود آمد. (جان بایر ناس، ۱۳۸۲، ص. ۵۷۶) در مورد نویسندگان انجیل در تاریخ اختلافاتی دیده می‌شود. بیشتر آنها انجیل اول را به «متای لاوی» نسبت می‌دهند که یک مامور مالیات بود که دعوت حضرت عیسی‌علیه‌السلام را پذیرفت و یکی از دوازده رسول یا حواری ایشان شد. برخی دلیل نوشته شدن انجیل توسط متی را عدم دسترسی به رسولان می‌دانند و معتقدند که کلیسای محلی اورشلیم نیازی به انجیل کتبی نداشت، چرا که رسولان در آنجا حاضر بودند و می‌توانستند به تمام سوالات جواب دهند و تعالیم را بیان کنند، امکان دارد که متی انجیل را برای مومنان غیر فلسطینی آرامی زبان، نوشته باشد که به رسولان دسترسی نداشتند. تاریخ احتمالی نوشتن این کتب، بین سالهای ۵۰ تا ۷۰ میلادی است. (عبدالعظیم رضایی، ۱۳۸۰، ص. ۸۱-۸۲) کلیسای قرن اول عقیده داشت که انجیل یوحنا به توسط یوحنا‌ای رسول نوشته شده است ولی اغلب تالیف آن را به اواخر قرن اول، و یا اوایل قرن دوم نسبت می‌دهند و مولف آن را یوحنا‌ای شیخ می‌دانند که از حواریون نبوده است. (مستره‌اکس، ۱۳۸۲، ص. ۹۶۷) انجیل مرقس را به یوحنا‌ای مرقس نسبت می‌دهند که از همراهان پطرس و همسفر پولس بوده است و زمان تالیف آن را سالهای ۶۵ تا ۷۰ میلادی می‌دانند که انجیل متی و لوقا را از آن اقتباس و اتخاذ کرده‌اند (جان بایر ناس، ۱۳۸۲، ص. ۵۷۶) اما نویسندگان انجیل لوقا از حواریون نبوده است، چون وقایع مربوط به حضرت عیسی‌علیه‌السلام در این انجیل نه به صورت شاهد عینی بلکه به واسطه نقل شده است. (زیبایی نژاد، ۱۳۸۴، ص. ۱۴۸)

به این ترتیب شواهد تاریخی دال بر آن است که انجیل های فعلی، یک انجیل واحد نوشته شده در یک زمان، و توسط یک شخص واحد نیستند حتی نمی توان آنها را با اطمینان به حواریون عیسی علیه السلام نسبت داد. نسبت آنها به نویسندگان منسوب نیز، نامعلوم است. علاوه بر آن حوادث تاریخی که بعد از میلاد مسیح علیه السلام اتفاق افتاد، کتب عهد جدید را نیز تحت تاثیر قرار داد.

از جمله شواهد حاکی از تحریف لفظی در بیان برخی مسیحیان است که یهود را متهم می کنند که به منظور کتمان برخی حقایق، انجیل را تحریف کرده اند. برخی معتقدند که آنها به منظور رفع اتهام و تثبیت دست به تحریف برخی مطالب زدند (رضوان، بی تا، ج ۱، ص ۲۹۳)

در مورد اعتبار انجیل در المیزان آمده است که تمامی سندهای این انجیل ها به هفت نفر منتهی می شود که شامل: متی، مرقس، لوقا، یوحنا، بطرس، بولس و یهودا است که اعتماد همه این اشخاص به انجیل های چهارگانه اول است و تکیه آن چهار انجیل هم به قدیمی تر و سابق تر، یعنی انجیل متی است که اصلش مفقود شده و مترجم آن معلوم نیست. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۹۰). از قرآن کریم چنین فهمیده می شود که انجیل (که به معنای بشارت است) یک کتاب بوده و بر عیسی بن مریم علیه السلام نازل شده و وحیی مختص به آن جناب بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۰۹) در تفسیر نمونه آمده است که هر جا قرآن از کتاب عیسی علیه السلام نام برده، «انجیل» را به صورت مفرد آورده است، و نزول آن را از طرف خدا معرفی می کند، بنابراین انجیل بسیاری که بین مسیحیان متداول است، حتی معروف ترین آنها یعنی انجیل های چهارگانه (لوقا، مرقس، متی و یوحنا) وحی الهی، نیستند، همانگونه که خود مسیحیان نیز انکار نمی کنند که این انجیل های موجود، همه به دست شاگردان، یا شاگرد شاگردان، حضرت مسیح علیه السلام، و مدت ها بعد از او نوشته شده است، البته ادعا می کنند که شاگردان مسیح، این انجیل را با الهام الهی نوشته اند (مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۴۲۳)

۳-۳-۳. شواهد نقلی

از جمله شواهد تحریف در انجیل، با توجه به الهام الهی بودن آن به نویسندگان انجیل از شواهد نقلی است. در انجیل متی آمده است که عیسی علیه السلام از فرزندان سلیمان بن داود علیه السلام است (انجیل متی، ۱: ۶) در حالی که وی در انجیل لوقا فرزند ناتان بن داود معرفی شده است. (انجیل لوقا، ۳: ۳۱) نه تنها در بین کتب بلکه در متن انجیل و در بین آیات آنها نمونه هایی از این تناقضات وجود دارد به طور مثال: در انجیل متی، عیسی علیه السلام اعلام می کند که پس از مصلوب شدن سه شبانه روز در

زمین مدفون خواهد ماند: «زیرا هم چنان که یونس سه شبانه روز در شکم ماهی ماند، پسر انسان نیز سه شبانه روز در شکم زمین خواهد بود» (انجیل متی، ۱۲: ۴۰)

در حالی که در جای دیگر، مدت دفن حضرت عیسی علیه السلام، از غروب جمعه تا قبل از سپیده یکشنبه است یعنی ایشان حداکثر یک روز و دو شب مصلوب بودند (انجیل متی، ۲۷: ۵۷) علاوه بر آن، نویسندگان کتاب چون لوقا به این نکته اشاره دارند که یکی از دلایل نوشتن کتاب مقدس به دلیل نگارش انجیل برای ایجاد اختلاف و انحراف و تغییر و تبدیل بود که در آن زمان امری رایج بود (انجیل لوقا، باب ۱: آیه ۱-۴) از دلایل دیگر نسبت‌هایی است که به خود عیسی علیه السلام داده می‌شود مثلاً عیسی علیه السلام می‌گوید که اگر من در حق خود شهادت دهم، شهادتم راست نیست (انجیل یوحنا ۵: ۳۱) در جای دیگر می‌گوید هر چه که من بر خود شهادت دهم، راست است زیرا می‌دانم از کجا آمده‌ام و به کجا می‌روم ولی شما نمی‌دانید. (انجیل یوحنا ۸: ۱۴) به علاوه اعتبار این کتب بر اساس شورا است که تعدادی از کتاب‌ها را از عهد جدید خارج و تعدادی از آنها را به عنوان کتب مقدس پذیرفته است. (فیلیسن شاله، ۱۳۵۵. ص. ۴۰۵)

۳-۴. شواهد قرآن بر تحریف تورات و انجیل

از منظر قرآن، دو کتاب آسمانی تورات و انجیل در قالب الفاظ مشخص از سوی خداوند به موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام نازل شده است. نقطه اشتراک این دو کتاب، همانند کتاب‌های آسمانی دیگر، تاکید بر وحدانیت خداوند، حقانیت رسالت پیامبران، بیان احکام شریعت، بیان برخی مبانی اعتقادی و اخلاقی و تاکید بر معاد بوده است. (زیبایی نژاد، ۱۳۸۴. ص. ۱۸۸) به عنوان مثال قرآن می‌فرماید: لا اله الا انا (طه ۱۴). در عهد عتیق نیز عباراتی می‌یابیم که با آن چه اسلام پذیرفته معادل است: «یهوه خداست، غیر از او دیگری نیست» (سفر تثنیه ۴: ۳۵ و ۳۹)

قرآن به وجود تحریفاتی در کتاب مقدس اشاره دارد، از آیات قرآن فهمیده می‌شود که این تحریفات هم به صورت لفظی و هم به صورت معنوی و هم عملی بوده است.

۳-۴-۱. تحریف لفظی

الف- اشارات صریح آیات قرآن

افزودن یا کاهش و یا تغییر کلمات کتاب از جمله تحریفات لفظی اهل کتاب است که قرآن به آن اشاره دارد. ظاهر برخی آیات نشان از مساله جعل کتاب توسط اهل کتاب دارد. مانند آیه‌ای که

بِالسِّنِّهِمْ، وَ طَعْنَا فِي الدِّينِ « (نسا/۴۶) ممکن است مراد از « تحریف کلمات از مواضعش » در جمله بعد باشد، این که گفتند: « سَمِعْنَا وَ عَصَىٰ

نا ... »، در نتیجه این جملات عطف بر جمله « يحرفون ... » خواهد بود. در این صورت مراد از « تحریف کلمات از مواضعش » کاربرد کلمه در غیر آنجایی است که باید به کار رود، معنای جمله این است که یهودیان مورد بحث، زبان خود را می‌پیچند، تا به این وسیله سخن باطل خود را به صورت حق جلوه دهند، تا اهانتی که قصد آن را دارند به صورت ادب و احترام جلوه کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴. ص ص. ۵۷۹-۵۸۰) چنانکه در شان نزول آیه آمده است که این کلمه در نزد یهود توهین بود و آنها با علم به آن و با سوء استفاده از عدم آگاهی مسلمانان آن را به کار می‌بردند. (الواحدی، ۱۴۱۱ق. ص. ۳۶) به نظر می‌رسد که آیه بیانگر عمل تحریف توسط آنها به شکل عام است که می‌تواند هر نوع تحریف را شامل شود. در واقع نشانگر صفت اخلاقی و ویژگی خاصی است که حاکی از عادت بر تغییر کلام در لفظ و مفهوم و به کار گیری آن به منظور رسیدن به هدف است.

در آیه ۱۱۶ مائده، خطاب به مسیحیان در نسبت دروغ به حضرت عیسی (ع) آمده است که در کتاب خود عیسی علیه‌السلام را خدا خوانده‌اند. ظاهراً آیه در مقام توبیخ به حضرت عیسی (ع) است اما در واقع، خطاب آیه متوجه مسیحیان است:

« وَ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَ أُمَّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ ..؛ وزمانی که فرمود خداوند ای عیسی پسر مریم آیا تو گفته‌ای برای مردم که مرا و مادر مرا دو اله از غیر خدا بگیرید. » (مائده/۱۱۶)

این گونه آیات، حکایت از گفتگوی خدای تعالی با عیسی بن مریم علیه‌السلام درباره آنچه که نصارا در حق ایشان مطرح کردند، نازل شده است و توبیخ مسیحیان در پسر خدا خواندن مسیح است. این مطلب یکی از تحریفاتی است که مسیحیان در انجیل وارد کردند، قرآن به بیان این عمل آنها پرداخته و خبر از عمل تحریف و نیرنگ آنان می‌دهد.

۳-۴-۲. تحریف معنوی

شواهد بسیاری در تحریف معنوی کتب آسمانی وجود دارد خداوند در سوره مائده می‌فرماید: «يا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَ يَعْضُوا عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ؛ ای اهل کتاب، پیامبر ما به سوی شما آمد، بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را

که شما کتمان کردید، بیان می‌کند و از بسیاری از آن که فعلا مورد نیاز نبوده، صرف نظر می‌کند، از طرف خدا نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد» (مانده/ ۱۵)

آیه نشان می‌دهد که یهود بسیاری از مطالب کتاب‌های آسمانی را (از قبیل سنگسار کردن زناکاران و امور دیگر) تحریف کردند (طبرسی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۲۵۳) یکی از این حقایق، همان آیاتی است که در تورات و انجیل در مورد پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ویژگی‌های ایشان آمده بود. خداوند در کتب آسمانی خبر پیامبر خاتم و نشانه‌های آن حضرت را داده بود و با توجه به آنها بسیاری از راهب‌های معتقد، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را از همان کودکی می‌شناختند چنانکه در تاریخ آمده است که افرادی ایشان را از روی علائمی که در کتاب مقدس بوده می‌شناختند ولی برخی از ایشان آنها را انکار می‌کردند. (فاطمه کریمی، ۱۳۸۶، ص ۶۴) چنانکه در سوره اعراف آمده است: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ؛ أَنَانِ كِه بَه نِبوتِ رَسولِ خِدا حَضرتِ مُحَمَّدِ صَليَ اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ كِه اَمی اَسْت، مَعْتَقَدنَد وَ اَز او پِیرو ی مِی كُننَد، اوصاف او را در کتاب تورات و کتاب انجیل می‌یابند» (اعراف/ ۱۵۷)

در کتاب انجیل، آمده است که، مسیح به حواریین گفت: من می‌روم و فارقلیط، روح حق، که از جانب خود تکلم نمی‌کند و شما را به همه حقائق، انذار می‌کند و امور وحشتناک را به شما خبر می‌دهد و مرا مدح می‌کند و گواه من است، به سوی شما خواهد آمد. (طبرسی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۸۰) با توجه به این مطلب بر طبق انجیل، ظهور پیامبر دیگر برای مسیحیان آشکار بود و آنها آن را کتمان می‌کردند.

۳-۴-۳. تحریف عملی

تبعیض در عمل به احکام خدا، یکی از اعمال یهود است که در قرآن آمده است. قرآن یهود را در برابر اعمال ضد و نقیض و تبعیضشان در اجرای احکام خدا، شدیداً مورد سرزنش قرار می‌دهد و به اشد مجازات تهدید می‌کند، به خصوص اینکه آنها احکام کوچکتر را عمل می‌کردند، اما در برابر احکام مهمتر یعنی قانون تحریم ریختن خون یکدیگر و آواره ساختن هم مذهببان از خانه و دیارشان، مقاومت و مخالفت می‌کردند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۳۱) آنها هر حکمی را که مطابق میل و باب طبع بود، عمل می‌کردند و هر حکمی را که مخالف با هوس‌هایشان بود، کنار می‌گذاشتند. در واقع یهود عصر پیامبر اسلام، به قسمتی از تورات عمل می‌کردند. مثل فدییه دادن جهت آزادی اسرا و... به قسمتی

از تورات مانند کشتار و اخراج از خانه بود عمل نمی‌کردند. لذا قرآن کریم این عمل زشت را محکوم می‌کند^{۱۴} و از آنها چنین بازخواست می‌کند:

« شما خون یکدیگر را می‌ریزید و گروهی از خودتان را از دیارشان می‌رانید و در بدکرداری و ستم بر ضعیفان هم‌دست و پشتیبان هم هستید، و چون اسیر شوند برای آزادی آنها فدیة می‌دهید، در صورتی که به حکم تورات، اخراج کردن آنها بر شما حرام شده، چرا به برخی از احکام ایمان آورده و به بعضی کافر می‌شوید؟...» (بقره/۸۵)

در حقیقت آنها تنها در عمل برای دستوراتی ارج و بها قائل بودند که از نظر زندگی دنیا به نفعشان بود و منافعشان اقتضا می‌کرد و هر دستوری که مطابق میلشان نبود را انکار می‌کردند. هر زمان که منافعشان اقتضا می‌کرد بر اساس احکام خدا عمل می‌کردند و هر جا که انجام دستورات در ظاهر به ضرر آنها تمام می‌شد، حکم را تغییر می‌داند و آن را انکار می‌کردند.

۴. نتیجه

تحریف به معنای تغییر در کلام است که با علم و آگاهی صورت گیرد که می‌تواند به صورت لفظی در کم یا زیاد کردن حروف، حرکات، کلمه یا جملات باشد یا به صورت معنوی در معنا و مفهوم کلام انجام شود و یا به شکل عملی، در عمل به خلاف دستورات کتب مقدس آسمانی باشد. کتبی که قرآن از آنها به عنوان کتاب آسمانی نام برده و اهل آن را مورد خطاب قرار داده است، به نظر مفسران، شامل تورات و انجیل است که امروزه به شکل یک کتاب به نام عهدین است. قسمت عهد عتیق آن شامل تورات و کتاب‌های دیگر منسوب به پیامبران بنی اسرائیل است و کتاب دوم که به نام عهد جدید مشهور است شامل اناجیل چهارگانه و مکتوبات حواریون و شاگردان آنهاست.

در مورد انتساب این کتب به پیامبران، در متون تاریخی و هم در میان خود اهل کتاب، اختلاف است. برخی تورات را نازل شده از طرف خداوند در قالب الواح بر موسی علیه‌السلام می‌دانند و برخی آن را نوشته شده توسط آن حضرت و یا کاتبان آنها می‌دانند که خود از دلایل عدم اعتبار در انتساب سند تورات است. تاریخ نشان می‌دهد که الواح تورات در حادثه حمله بخت النصر از بین رفت و چون یهود

^{۱۴} . ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَى فَفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحْرَمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَتَوْا مُنُونٌ بَعْضُ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

عادت به نسخه بردای از تورات نداشت، و غالب تعلیمات شفاهی بود، و همچنین به علت پراکندگی یهود بعد از آن حادثه بسیاری از تعالیم از بین رفت و سند تورات از زمان خود قطع شد. البته حوادث بعدی نیز بسیاری از مکتوبات یهود را از بین برد. بعلاوه متن تورات نیز نشان از تغییرات و تحریفات دارد. مواردی چون: وجود اشکالات زبانشناختی، دادن نسبت‌های ناروا به خدا و پیامبران و... اشکالات تاریخی، اختلافات و تناقضات در بین بخشهای مختلف، و... را می‌توان برشمرد. انجیل نیز به حضرت عیسی علیه‌السلام منتسب نیست بلکه آن را به حواریون و شاگردان آنها نسبت می‌دهند که به اعتراف خود آنها برخی مشاهدات را بر آن افزوده‌اند که خود نشان از اصل نبود انجیل، و تحریف در همان تعلیمات باقی مانده دارد. علاوه بر شواهد تاریخی، وجود اشکالات، تناقضات، توهین‌ها به حضرت عیسی علیه‌السلام و... حاکی از تحریف در انجیل دارد.

قرآن شواهد بسیاری از تحریف کتب آسمانی ارائه می‌دهد و اهل کتاب را به دلیل این تحریفات مورد توبیخ قرار می‌دهد. قرآن از یک طرف در آیاتش، اهل کتاب را به پیروی از کتاب خود می‌خواند که نشان از وجود برخی حقایق و احکام الهی در آن کتب در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دارد و از طرف دیگر حکایت از وجود تحریفات به انواع روش‌های آن، چه به صورت لفظی و چه به صورت معنوی، و چه به شکل عملی به دست یهودیان و مسیحیان دارد.

منابع

قرآن کریم

کتاب مقدس

اشرفی، عباس (۱۳۸۶). مقایسه قصص در قرآن و عهدین. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر
ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. (چاپ ۳). بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.

آل بویه. علیرضا (۱۳۷۸). باروخ اسپینوزا، مصنف واقعی اسفار پنجگانه. (شماره ۱). «هفت آسمان».
الشیخ علی (۱۳۸۹). القرآن و العهدین. (چاپ ۲). قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران.
اسکندرلو، محمدجواد (۱۳۸۶). نقد و بررسی کاربرد واژه «کتاب» در آیات قرآن از نگاه مستشرقان
(شماره ۲). قرآن پژوهی خاورشناسان.

- بلخی. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان. بیروت: دار إحياء التراث
 جعفری یعقوب (بی‌تا). کوثر، بیجا
- جوادی آملی. عبد الله (۱۳۸۳). تفسیر تسنیم، قم: اسراء چاپ
- حسینی زبیدی. محمد مرتضی (۱۴۱۴ ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر
 حقانی. سکینه؛ اسکندرلو. محمدجواد (۱۳۸۷). بررسی مسئله تحریف قرآن در دائرة المعارف قرآن
 لایدن. (شماره ۱۰). «قرآن پژوهی خاورشناسان».
- خداپرست. زهرا (۱۳۸۹). نقد و بررسی مقاله «تورات» در دایرة المعارف قرآن لیدن. (شماره ۸).
 قرآن پژوهی خاورشناسان
- دورانت. ویلیام جیمز (۱۳۷۰). مشرق زمین گاهواره تمدن. ترجمه: احمد آرام، پاشایی، امیر حسین
 آریان پور. (چاپ ۳). انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی
- رضایی. عبدالعظیم (۱۳۸۰). تاریخ ادیان جهان. (چاپ ۲). تهران: نشر علمی
- رضوان، عمر بن ابراهیم (بی تا). آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره. ریاض: دار الطیبه
 زیبایی نژاد. محمدرضا (۱۳۸۶). مسیحیت شناسی مقایسه ای. تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی
 ایران (سروش)
- شاله. فیلیسن (۱۳۵۵). تاریخ مختصر ادیان بزرگ. (ترجمه: منوچهر خدایار محبی). (چاپ ۲). تهران:
 طهوری
- شاکرین. محمد رضا (۱۳۸۹). چرا دین چرا اسلام چرا تشیع. «مکاتبه و اندیشه». (شماره ۳۶)
 صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ ق). المحيط فی اللغة. بیروت: عالم الكتاب
- طاهری خرم آبادی. حسن (۱۳۸۵). عدم تحریف قرآن. قم: بوستان کتاب
- طباطبایی. محمد حسین (۱۳۶۳). تفسیر المیزان. (ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی) نشر: بنیاد
 علمی و فکری علامه طباطبایی
- طبرسی، فضل بن حسن، مترجمان (۱۳۶۰). ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن. (تحقیق: رضا
 ستوده). تهران: انتشارات فراهانی
- طریحی. فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵ ش). مجمع البحرین. (چاپ ۳). تهران: مرتضوی
- فراهیدی. خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ ق). کتاب العین. (چاپ ۲). قم: نشر هجرت

- قرشی. علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. (چاپ ۶). تهران: دارالکتب الاسلامی
- قرضاوی، یوسف (۱۳۸۲). قرآن منشور زندگی. (ترجمه: عبدالعزیز سلیمی). تهران: احسان
- قلی زاده. مریم؛ فقهی زاده. عبدالهادی؛ واعظی. محمود؛ ملیحه السادات. سیدرضا (۱۳۹۹). تحلیل انتقادی دلایل دوازده گانه ی محدث نوری در اثبات تحریف به نقیصه. (شماره ۴۱). «پژوهش دینی».
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (بی تا). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بی جا: دار احیاء التراث. (تحقیق: محمدباقر محمودی / عبد الزهراء علوی)
- مترجمان (۱۳۶۰). ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات فراهانی .
- متقی زاده. عیسی؛ خوران. محمود (۱۳۸۷). بررسی ادعاهای مستشرقان در مورد تحریف قرآن. «قرآن پژوهی خاورشناسان»، (شماره ۱۶)
- محقق. محمد باقر (۱۳۶۱). نمونه بینات در شأن نزول آیات. (چاپ ۴). تهران: انتشارات اسلامی.
- مستر هاکس (۱۳۸۳). قاموس کتاب مقدس. (چاپ ۲). تهران: اساطیر.
- مصطفوی. حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- مکارم و دیگران، ناصر (۱۳۸۲). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه
- میرتبار. سیدمرتضی؛ صادق نیا. مهرباب (۱۳۹۳). بررسی و نقد درون دینی حجیت کتاب مقدس در مسیحیت، «پژوهش های ادیانی». (شماره ۴)
- ناس. جان بایر (۱۳۸۲). تاریخ جامعه ادیان. (ترجمه: علی اصغر حکمت). (چاپ ۱۳). تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- واحدی . علی بن احمد (۱۴۱۱ ق). اسباب نزول القرآن (واحدی). بیروت : دارالکتب العلمیه
- هیوم . رابرت (۱۳۶۹). ادیان زنده جهان. (ترجمه: عبدالرحیم گواهی). دفتر نشر اسلامی